

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال دوم، شماره‌ی ششم، زمستان ۱۳۸۹، صص ۱-۱۹

تأثیر سیاست‌های ایلخانان بر جابه‌جایی مسیرهای زمینی و دریایی حج در جهان اسلام (قرون ۷-۸ ه.ق)

علی بحرانی‌پور*

چکیده

حمله‌ی مغولان نامسلمان به سراسر اوراسیا و سقوط خلافت عباسی انقطاع و آشوبی در سراسر جهان اسلام پدید آورد که مهم‌ترین نتیجه‌ی آن به هم خوردن توازن قدرت و وحدت در منطقه بود. با وجود تداوم سلسله‌ی خلفای عباسی در مصر، در روزگار مورد بحث، مکه دوباره ام‌القرای جهان اسلام به شمار رفت. سلاطین مسلمان اعم از سلاطین اقصی نقاط آفریقای غربی، ممالیک مصر، ایلخانان، برخی سلاطین اردوی زرین، ایلخانان و حتی سلاطین هند هریک برای تبلیغ قدرت و مشروعیت خویش در میعادگاه جهانی حج با همدیگر رقابت می‌کردند. بی‌گمان چنین احوالی بر اهمیت راه‌های حج تأثیر زیادی داشتند. به نظر می‌رسد به سبب وقایع فوق و روند تغییر در سیاست ایلخانان، جابه‌جایی‌های در مسیرهای دریایی و زمینی حج صورت گرفته باشد.

مقاله‌ی حاضر بر آن است که ضمن شناسایی مسیرهای اصلی حج در گستره‌ی جهان اسلام، تأثیر سیاست‌های ایلخانان بر مسیرهای یادشده را واکاود. فرضیه‌ی تحقیق آن است که حمله‌ی مغولان نامسلمان در آغاز، مسیرهای زمینی حج را ناامن ساخت، بنابراین به دلیل عدم سلطه‌ی مستقیم مغولان بر دریاها، مسیرهای دریایی حج از خلیج فارس و دریای سرخ تقویت شد. اما با اسلام آوردن ایلخانان و فروکش کردن نبردهای مملوکی - ایلخانی به‌عنوان عامل در انشقاق در جهان اسلام، تلاش‌هایی برای تأمین امنیت و رفاه در مسیرهای زمینی حج از عراق و بیابان نفود و نجد انجام شد که موجب بازگشت مسیرهای حج از دریا به این مسیرهای بیابانی شد.

واژه‌های کلیدی: مسیرهای حج، حرمین شریفین، ایلخانان، ممالیک، اقیانوس هند، عراق.

* عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز. (bahranipour@hotmail.com)
تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۳، تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۱۰/۱۲.

مقدمه

پس از سقوط بغداد دوباره حرمین شریفین خاصه مکه، به‌عنوان اُمّ القرای^۱ جهان اسلام مطرح شد. عوامل مختلفی از قبیل وجود خانه‌ی کعبه و فریضه‌ی حج، قبله، مرکزیت معنوی، عبادی، سیاسی، در عصر خلفای راشدین و نیز پس از سقوط خلافت عباسی، کانون مشروعیت‌بخشی به سلاطین مسلمان، اجتماع عظیمی برای مسلمانان جهان اسلام جهت انتقال اخبار، تبلیغات سیاسی و دینی، و کانونی برای افکار عمومی جهان اسلام بود. موقعیت جغرافیایی شهر نیز در حد فاصل راه‌های مواصلاتی و تجاری بزرگ بین‌المللی جاده‌ی ابریشم و جاده‌ی ادویه و جاده‌ی کُندر (یا به تعبیر قرآن مسیر رحله الشتاء و الصیف واقع در مسیر جنوبی - شمالی یمن - شام) در تقویت اهمیت آن تأثیر داشت و آن‌را به مرکز جهان اسلام بدل ساخته بود. از این رو از ابتدای شکل‌گیری حکومت اسلامی، مسیرهای زمینی و دریایی گوناگونی به سوی آن پدید آمده بود و مکه به دلایل سیاسی، عبادی، تجاری و فرهنگی قبله‌گاه حاجیان، تاجران و آوردگاه رقابت‌های سیاسی فرستادگان سیاسی و حتی سلاطین بود؛ در نتیجه کنترل راه‌های حج و تغییرات آن‌ها مسئله‌ی مهم در تغییرات سیاسی و اقتصادی در جهان اسلام به شمار می‌رفت. مقاله‌ی حاضر در پی تبیین جابه‌جایی مسیرها و علل آن است.

موضوع مورد بحث کمابیش تازه است و از پیشینه‌ی تحقیقی چندان بر خوردار نیست، جز آنکه دکتر شیرین بیانی در کتاب *دین و دولت*، به تأثیر قبایل شرق عراق در مسیرهای بیابانی حج را به تفصیل شرح داده است. دکتر ابوالفضل رضوی نیز طی مقاله‌ای به جایگاه مسیرهای زمینی عراق به حجاز در مشروعیت‌بخشی به ایلخانان مسلمان ایران و رقابت ایشان با ممالیک بر سر نفوذ بر قبایل ساکن در مسیرهای زمینی یادشده پرداخته است. لیکن این مقاله بیشتر بر مسائل جغرافیایی، انسانی و حداکثر بر تأثیر سیاست‌های قدرت‌های درگیر در جابه‌جایی مسیرها و اصلاحات عمرانی و رفاهی آن‌ها در مسیرهای یادشده تأکید می‌کند.

راه‌های دریایی و بیابانی عراق به حرمین و سیاست ایلخانان نسبت به آن

۱- راه بیابانی

تقریباً از ابتدای شکل‌گیری خلافت عباسی دو مسیر واقع شده در عراق شرق جهان اسلام را به حرمین شریفین متصل می‌کرد: یکی راه دریایی که از اوایل عهد مغولان به سبب ناامنی راه‌های زمینی عراق و سقوط خلافت عباسی اهمیت یافت؛ و دیگری راه زمینی غرب عراق به سمت

۱. معادل انگلیسی امروزی آن Metropolis و Cosmopolis است.

تأثیر سیاست‌های ایلخانان بر جابه‌جایی مسیرهای زمینی و دریایی حج... ۳

بیابان‌های نجد و نفود به حرمین است. مسیر اخیر حج از زمان غازان‌خان از راه بادیه‌ی جنوب غربی عراق عرب در مناسبات سیاسی و تجاری ایلخانان و ممالیک اهمیت یافته بود. اصلاحات غازان‌خان به‌ویژه در حفر نهرها، ساخت دارالسیاده و حفر چاه‌ها در مسیر حج شواهد تاریخی و باستان‌شناختی برای این امر را پدید می‌آورد. اصلاحات یادشده، موجب اهمیت یافتن شهرهایی چون نجف، بصره، واسط و کوفه شد.

چنان‌که اشاره شد، یکی از مسیرهای حج از عراق به عربستان راه بیابان‌های نجد و نفود بود که مورد توجه ایلخانان بود. آنان از زمان اسلام آوردن خود دست کم از روزگار غازان‌خان به سبب بسته‌شدن مسیرهای تجاری شام که معلول انسداد راه حج بود، تحت فشار بودند. آنان کوشیدند با تقویت امکانات و امنیت راه‌های جنوب عراق به سمت بیابان نجد و نفود به سمت حجاز راهی دشوار و بی‌آب، اما کوتاه را بدون مزاحمت نیروهای مصری برای حاجیان و تاجران ایرانی مسیر حجاز بیابند. به همین منظور تلاشی ناکام برای سلطه بر حرمین شریفین و دریای سرخ صورت دادند که تنها نتیجه‌ی آن برقراری مسیر کاروان‌های حج ایران در طول چاه‌ها، آبگیرها و واحه‌ها از بصره، نجف، قادسیه، وادی عذیب، مناره القرون (شاخ مناره)، مساجد، بلوره، واقصه، گردنه‌ی عقبه‌الشیطان، هیثمین، زماله، تنانیر، کشقوق، برکه المرجوم، ثعلبیه، زرود، اجفر، قلعه‌ی فید، وادی الکروش، جبل المخروق، سمیره، حاجر، قاروره، نقره، عسلیه، نجد، وادی العرس، مدینه، صفراء، بدر، خلیص، عسفان و بطن مر، به مکه می‌رسید، بود خلیص میان مکه و مدینه واقع شده بود که دارای بازار گوسفند و میوه و تره‌باری بوده و از ایستگاه‌های خرید حیوانات به‌عنوان قربانی حج و تهیه‌ی آذوقه‌ی مورد نیاز حاجیان به شمار می‌رفت.

در زمان سلطان ابوسعید، امیر چوپان از اموال خاصه‌ی خود نهری از عرفه به سمت مکه جاری کرد. زیرا تردد هر ساله‌ی حاجیان، استفاده از این چشمه را ضروری می‌کرد. گذشت زمان و پر شدن چشمه‌ی یادشده موجب کم‌آبی آن شده بود. تا آنجا که بهای هر ستور آب‌کش در موسم حج به ۱۰ درهم مسعودی (سکه‌های یمنی ضرب ملوک ایوبی یمن) در حالی که این قیمت در دیگر مواقع سال به شش تا هفت درهم بود. امیر چوپان کارگرانی بومی با دستمزدی قابل توجه (روزانه سه درهم) استخدام کرد و پس از چهارماه کار و صرف ۵۰۰۰۰ دینار حفر مجدد این نهر را به پایان رساند. وی در سال ۵۷۲۰ ه.ق/۱۳۲۰ م در قلعه‌ی خلیص بین مکه و مدینه نهری حفر کرد که آب را از چشمه به برکه (آب انبار) در کنار قلعه منتقل می‌کرد. او در کنار مقبره‌ی عثمان خلیفه‌ی سوم و امام حسن(ع) برای خود مقبره‌ای ساخت و پس از مرگ در آنجا به خاک سپرده شد.^۱

۱. المقریزی، المصدر السابق، ج ۳، صص ۹۰ و ۲۳؛ ابرو، حافظ، ذیل جامع التواریخ رشیدی، صص ۱۳۴ و ۱۳۵.

۲- مسیرهای دریایی حج در خلیج فارس و اقیانوس هند (راه بیت‌الله العتیق)^۱

مسیرهای رودخانه‌ای دجله و فرات به موازات مسیرهای زمینی، ارتباطات میان مسیر حج و مسیرهای دریایی خلیج فارس و اقیانوس هند را برقرار می‌کردند. مسیر دریایی حج عراق، پس از دور زدن شبه‌جزیره‌ی عربستان و یمن به دریای سرخ می‌رسید. جده، حلی، سرجه، بندر حادث، بندر ابواب، شهر زبید، قریه‌ی غسانه، شهر جباه، شهر بزرگ تعز، صنعا و عدن در این مسیر قرار داشتند.^۲

در این میان، مسیر رودخانه‌ای جنوبی - شمالی رودخانه‌های عراق راه‌های دریایی حج در خلیج فارس به سمت دریای سرخ را با راه‌های زمینی حج یعنی راه‌های نجف به سمت بیابان‌های نجد و نفود و حرمین را به هم متصل می‌کرد. محل این اتصال بندر بصره بود؛ بندر بصره در واقع مبدأ و جده مقصد مسیرهای دریایی حج در مشرق جهان اسلام بود.

بصره مهم‌ترین بندر عراق در دوره‌ی اسلامی بود که پس از ویرانی آنجا مرکزیت تجاری از آنجا به سیراف و کیش و هرمز منتقل شد. بازار «مربد» در حومه‌ی غربی بصره از بازارهای قدیمی فصلی اعراب و از انجمن‌های شعری آنجا بود. کاروانسرای ملک دینار بر سر راه واسط یکی از کاروانسرای بصره و محل اتراق مسافرین و تاجران بوده است. بصره در قرن هشتم به‌طور قابل ملاحظه‌ای رونق داشت و سالی ۴۴ تومان و ۱۰۰۰ دینار رایج مالیات می‌داده است و هنوز هم به‌وسیله‌ی بنادر خلیج فارس با هندوستان مرتبط می‌شود.^۳ در آن زمان قبیله‌ی بنی‌عقیل در نزدیکی بصره و قبیله‌ی بزرگ بنی خفاجه از آنجا تا کوفه سکونت داشتند و گاه برای کاروان‌های مسیر عراق به شام و حج نقش راه‌دار را عهده‌دار می‌شدند و گاه نیز خطر‌ساز می‌شدند.^۴

مقصد و یکی دیگر از کانون‌های مسیر دریایی حج در جهان اسلام، بندر جدّه بود. آنجا در قرن ۷ ه.ق شهری کوچک در ساحل دریا بود که بندر مکه به شمار می‌رفت. اما در قرن بعد جده بندر اصلی حجاز در دریای سرخ و بندر مکه و در واقع بندر سراسر حجاز بود که زائران و کالاهای تجاری آنان از طریق آن به مکه اعزام می‌شدند. در ایام موسم حج سکونت در آن غیر

۱. این اصطلاح نامی است که ابن ماجد و دیگر راهبانان دریایی به مسیر دریایی حج در اقیانوس هند داده‌اند.

۲. ابن بطوطه (۱۳۷۶)، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه‌ی محمدعلی موحد، چاپ ششم، تهران، آگه، ج ۱، ص ۲۹۸.

۳. الحموی، یاقوت (بی‌تا). *معجم‌البلدان*، تحقیق عبدالرحمن المرعشی، بیروت، داراحیاء التراث العربی و موسسه التاریخ العربی، ج ۱، صص ۳۴-۴۳؛ لسترنج، پیشین، نقشه شماره‌ی ۲.

۴. بیانی، شیرین (۱۳۸۱)، *تاریخ آل جلایر*، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، صص ۱۷۶.

تأثیر سیاست‌های ایلخانان بر جابه‌جایی مسیرهای زمینی و دریایی حج... ۵

ممکن بود. زیرا که از سراسر جهان از سرزمین مصر و مراکش و هند و یمن مردمی با بیش از صد کشتی بزرگ با کالاها و مسافران بسیار به آنجا می‌رفتند. هرگاه آب در آنجا کاهش می‌یافت، از آبادی قرین که در میانه‌ی راه مکه و جده است به آنجا آب می‌بردند. مردمش از نسل ایرانیان و ساختمان‌هایشان از سنگ کاشور (مرجان) و خیش خرما بود. شهر غالباً شامل خان‌ها (کاروانسراها) بود. گفته‌اند که امیر شمس‌الدین طنبغا در سال ۶۲۳ ه. ق کاروانسرای بزرگ در حومه‌ی شهر بنا نهاده بود. عوارض گمرکی بندر جده از آن حاکم مکه به شمار می‌رفت؛ البته ابوالنصر برسیای سلطان مملوک مصر نیز در آن سهمی داشت. زیرا مبلغ این عوارض سالانه نزدیک ۲۰۰ هزار دینار بوده است.^۱

در اواخر قرن هفتم، خاندان آل طیبی و مدتی سلغریان و از قرت هشتم ملوک هرموز با شبکه‌ی وسیع حمل و نقل دریایی و نمایندگی‌های ساحلی خود از معبر و مالابار تا بحرین و عدن علاوه بر تجارت به حمل و نقل مسافران و حاجیان شرق جهان اسلام مشغول بودند.^۲ خاصه آنکه ناامنی مسیرهای زمینی، کار و بار تجارت آنان را رونقی دوچندان داده بود. حضور قدرت‌های صلیبی در سواحل شرقی و حتی جنوبی مدیترانه که گاه قدرت آن‌ها تا سواحل شمالی دریای سرخ کشیده می‌شد، خطری برای راه‌های دریایی حج به شمار می‌رفت. چنان‌که حتی صلیبیان گاه نقشه‌ی حمله‌های مشترک با مغولان نامسلمان (مثلاً در زمان ارغون) به حرمین و تخریب کعبه را طراحی می‌کردند. این نقشه‌ها هرچند عملی نشد، اما ناامنی را در منطقه افزایش داده و رونق اولیه‌ی مسیرهای دریایی در کوران حمله‌ی مغول (۶۶۰-۶۲۰ ه. ق) را از بین برد. کند شدن روند نبردهای ایلخانان پس از اباق‌خان با ممالیک نیز امنیت نسبی را در مسیرهای بیابانی شرق عراق به نجد و حجاز را موجب شد؛^۳ امری که به تغییر مسیرهای دریایی به سمت بیابان‌های عربستان منجر شد.

۱- تلاش‌های سیاسی و نظامی ایلخانان اولیه برای سلطه بر راه‌های شام به حجاز: جنگ و صلح با ممالیک

در عهد هلاکو مرز میان ایلخانان با ممالیک به سبب روابط خصمانه کمابیش همیشگی مرزی متغیر بود. اما طرح کلی هلاکو برای پیشروی تا مصر با شکست کیتبوقا از قتوز سلطان مملوک

۱. الظاهری ۱۸۹۴، ص ۱۴ و ابن مجاور ۱۹۵۱، ۵۰-۵۲.

۲. و صاف ۱۳۳۸، صص ۸-۱۷۶، یاجیما ۱۹۷۵، قسمت دوم، ۷ و ۶.

۳. Teixeira, O.p. Cit. p.160,162-163 و و صاف ۱۳۳۸، ۹-۱۸۵.

۶ مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ

مصر در عین‌الجلاوت ناکام ماند (۶۵۸ ه.ق / ۱۲۵۹ م)؛ و شام به‌دست ممالیک افتاد. با وجود نبردهای بعدی ایلخانان در شام. و اینکه ممالیک ضمن افزودن شام (از جمله خارج کردن شهرهای دمشق و عکا از دست صلیبیان) و حجاز به قلمرو خود، به احیای خلافت عباسی و حمایت نظامی از حمله نافرجام وارثان خلافت از جنوب عراق به فرات پرداختند، به‌طور کلی فرات مرز همیشگی غربی ایلخانان با مصر و صحرای حجاز به شمار رفت.^۱

در روزگار اباقا در ۶۶۴ ه.ق / ۱۲۶۵ م مبارک پسر المستصم از دربار هلاکو به شام و مصر گریخت و مورد استقبال بیبرس قرار گرفت؛ و ممالیک مدعی حمایت و احیای خلفای عباسی شدند و جنگ‌های خود را به‌نام جهاد علیه ایلخانان ادامه دادند. در ۶۶۷ ه.ق / ۱۲۶۸ م بیبرس انطاکیه را تصرف کرد و در آنجا (به‌ویژه در کلیساها) غارتی به یاد ماندنی کرد. اما اسیران مسیحی را به کلیکیه تبعید کرد، که از آن جمله سیراپت انطاکیه بود. در ۶۷۱ ه.ق / ۱۲۷۲ م بیبرس به شام لشکر کشید و ایلخانان را در کرانه‌ی فرات شکست داد. در ۶۷۵ ه.ق / ۱۲۷۶ م به دمشق و حلب لشکر کشی کشید.^۲

در ۶۷۴ ه.ق / ۱۲۷۵ م ضیاء‌الدین بن حظیر و پسر معین‌الدین سلیمان پروانه با تعدادی اعیان آسیای صغیر به شام رفته، بیبرس را به حمله به روم تشویق کردند. در ۱۰ ذی‌قعدة سال بعد، بیبرس از راه ابلستان بر روم تاخت و پس از شکست دادن نیروهای ایلخانان، در قیصریه سکه و خطبه به نام خود کرد. این جنگ که به‌نام آوردگاه ابلستان در شرق قیساریه روی داد پس از عین‌الجلاوت دومین شکست بزرگ ایلخانان از ممالیک بود. اباقاخان برای دفع تهدیدات ممالیک از شام و بنا به نوشته‌ی ابن‌العبری به دعوت سنقرالاشقر سردار بیبرس که با قلاوون سلطان جدید مملوک اختلاف داشت، به دیاربکر و آناتولی، از مسیر خابور و رحبه‌الشام به حمص رفت و در مسیر خود قلعه‌ی زلیبیا و دیر بیره را ویران کرد. اما در محاصره‌ی حمص به‌دلیل بی‌تجربگی برادرش منگکه تیمور، شکست خورد (رجب ۶۸۰ ه.ق / ۱۲۸۱ م). اباقاخان بدین ترتیب متحمل دو شکست در برابر ممالیک شد: (ابلستان در ۶۵۷ ه.ق / ۱۲۵۸ م و حمص در ۶۸۰ ه.ق / ۱۲۸۱ م)^۳

۱. ابن شداد، *تاریخ الملک الظاهر*، اعتنا احمد حطیط، فیسباند، دارالنشر فرانزا شتاینر ۱۹۸۳، ص ۳۳؛ خیراندیش، پیشین، صص ۱۹۰-۱۸۹ و

king Hetum II, Chronicle, trans. and ed. Robert Bedrpsian, New Jersey. 2005, fragment. 9.

۲. ابن شداد، *تاریخ الملک الظاهر*، صص ۵۳ و ۵۵ و ۱۰۱ و ۱۰۴ و ۱۰۶، ۲۲۱، ۱۵۲، ۱۵۸ و ۱۷۵؛ و ابن‌العبری، پیشین، صص ۳۹۱-۲، الحلبي، كنوز الذهب، ج ۱، ص ۶۱۱

۳. خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، *جامع التواریخ*، ج ۲، صص ۱۱۰۵-۱۱۰، ۱۱۱۶-۱۸ و ابن شداد، *المصدر السابق*، ص ۲۲۲؛ ابن‌العبری، پیشین، صص ۳۹۵-۶. ابن کثیر الدمشقی، *البدایه والنهایه*، تحقیق یوسف الشیخ محمدالبقاعی، بیروت، دارالفکر، ۲۰۰۵، ص ۱۸۴؛ المقریزی، *الخطط*، الجزء ۳، ص ۳۸۷.

تأثیر سیاست‌های ایلخانان بر جابه‌جایی مسیرهای زمینی و دریایی حج... ۷

احمد تکودار پس از اسلام آوردن به سفارش شیخ عبدالرحمن و شمس‌الدین جوینی صاحب دیوان، قطب‌الدین شیرازی مشهورترین دانشمند زمان خود را با نامه و پیام صلح‌خواهی به سفارت نزد ممالیک مصر فرستاد (۱۹ جمادی‌الاول ۶۸۱ ه.ق/۱۲۸۲ م). وی در این نامه با لحنی منت‌گذارانه، اسلام آوردن خود را نعمتی بزرگ برای مسلمانان قلمداد کرده است. و به‌عنوان گواه اسلامیت خود از اصلاحاتی سخن رانده است که در قلمروش به نفع مسلمانان انجام داده است. که از آن جمله بودند، اعلام مسلمانی و حمایت از قوانین شرع، عفو زندانیان، اصلاح امور املاک و وقفی از جمله رباطها و ابواب البر، اهتمام به امر حج و امنیت و رفاه مسیرهای آن، آزادی رفت و آمد تاجران و منع سپاهیان، قراغول‌ها (راهداران) و شحنگان (حاکمان شهرها) از تعرض و مصادره‌ی کاروان‌ها.

قلاوون در پاسخ به تاریخ ابتدای رمضان ۶۸۱ ه.ق/۱۲۸۲ م مسلمانی وی را خبری بزرگ دانسته، و با لحنی طعنه‌آمیز برای وی آرزوی ثبات در مسلمانی کرده، و خود را جزو سابقون و مجاهدان و بنابراین در موضعی برتر از او قلمداد کرد. و ضمن تمجید از تلاش‌های سفیران تکودار، آبادگری تکودار را از لوازم جهاننداری دانسته و اما شرط کافی برای اعلام مسلمانی را بازگرداندن سرزمین‌ها و حکومت‌های غصب شده برشمرد. اما در ازای برقراری آزادی تردد به ویژه تعمیر رباطها و مسیر حج، دستورات مشابهی را خطاب به حاکمان خود در قلاع مرزی و شهرهای تجاری رحبه، بیره، و عین تاب و فرماندهان سپاهیان یادشده صادر کرد.^۱

در روزگار ارغون یکی از کارکردهای اساسی مسیرهای ارتباطی عراق، زیارت حرمین شریفین بود، بدین ترتیب که حج و در حدی محدودتر سفرهای زیارتی به بقاع متبرکه در عراق و مشهدالرضا، زیارت را با تجارت در هم می‌آمیخت. سعدالدوله یهودی در نامه‌ای به حاکم محلی در عراق به نام ملک نجم‌الدین محمود در رمضان ۶۸۸ ه.ق/ ۱۲۸۹ م مشایخ بنی خفاجه را منصب امیرالحاج و مسئولیت‌پذیری از حاجیان (رفادت) داد و بدین ترتیب آنان را مسئول امنیت مسیر کوفه و نجف، و به بهانه‌های امنیتی آنان را موظف به جلوگیری از تجاری شدن کاروان‌های یادشده کرد که به‌نظر می‌رسد که ممالیک و بقایای عباسیان در تلاش‌اند تا با ناامن کردن مسیرهای جنوب عراق از طریق تحریک قبایل ساکن آن نواحی ایلخانان را از دستیابی بر نواحی ماورای فرات و شبه جزیره‌ی عربی بازدارند؛ و در عوض خود بر آنجا سلطه یابند. مضمون نامه از ممنوعیت تجارت کالاهای یادشده نیز خبر می‌داد که از آن میان تجارت اسلحه‌ی هندی از رأس

۱. ابن تغری بردی، المصدر السابق، ج ۷، صص ۳۳۲-۷ و ابن العبری، پیشین، صص ۴۰۳-۳۹۷. و صاف الحضرة شیرازی، تاریخ و صاف الحضرة، بمبئی، بی‌تا ۱۳۳۸، صص ۱۱۸-۱۱۳.

۸ مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ

خلیج فارس و دهانه‌ی اروند با قبایل جنوب عراق و عربستان و به احتمال از آنجا به مصر بود. و صاف در این باره دچار تناقض گویی شده است که از یک سو به تلاش‌های تملق‌آمیز یا تظاهر وی به حمایت از کاروان‌های حج اشاره می‌کند و از سوی دیگر او را مشوق حمله به کعبه معرفی کرده است.^۱ پژوهش حاضر بر آن است که شاید بتواند تناقض یادشده را با طرح نظریه‌ای مبنی بر رقابت ایلخانان و ممالیک بر سر مسیرهای عراق، عربستان به بنادر حجاز در دریای سرخ را پاسخ دهد.

در روزگار گیخاتو ممالیک برخلاف پیروزی‌های درخشان در فتح سواحل شرقی علیه صلیبیان نتوانسته بودند که در جبهه‌ی آسیای صغیر موفقیتی کسب کنند. بنابراین شرایط جغرافیایی و مرزی، آنان را به عرصه‌ی دریاها و جنوب می‌راند. در آنجا با موفقیت بیشتری بر منافع تجاری ایلخانان در تجارت آبی جنوب عراق فشار می‌آوردند؛ و سلطه‌ی بی‌رقیب خود بر مسیر حج را که از اهمیت تجاری قابل توجهی نیز برخوردار بود، اعمال می‌کردند. چنان‌که حتی یکی از فدائیان باطنی خود را برای قتل نقاجو امیر سلاح‌خانه‌ی مغولان به عراق فرستاد که البته در انجام مأموریت خود موفق بود. اما قتل سلطان دست وی را از ادامه‌ی عملی کردن نقشه‌هایش کوتاه کرد.^۲

۲- اقدامات امنیتی و رفاهی ایلخانان متاخر در جاده‌ی زمینی عراق به سمت حج (غازان تا سقوط ایلخانان)

اقدامات ایلخانان متاخر یعنی از روزگار غازان تا ابوسعید در جهت احیای راه حج عبارت بود از سرکوب و استفاده از قبایل خفاجه؛ تأمین امنیت و آب مورد نیاز کاروان‌ها، مذاکره با شرفای مکه، و راه‌سازی و کاروانسراسازی و اوقاف مربوط به آنها.

الف) آبادگری‌های غازان در مسیرهای عراق به حج

غازان خان بارها برای شکار، زیارت یا جنگ از مسیر آذربایجان و همدان به عراق رفت. چنان‌که در ۱۸ ذی‌القعدة ۶۹۵ هـ.ق/ ۱۲۹۵ م از مراغه برای قشلاق به سمت بغداد از مرغزار «زک» در

۱. و صاف، پیشین، ج ۲، صص ۴۲-۲۴۰.

۲. عبدالرزاق بن احمد شیبانی، ابن الفوطی (۱۳۸۱)، *الحوادث الجامعة*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی صص ۵-۲۸۰؛ فضل‌الله همدانی، خواجه رشیدالدین، *جامع‌التواریخ*، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران: البرز، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۱۹۵؛ ابن تغری بردی، *النجوم الزاهرة*، ج ۸، صص ۲۲۷-۹.

حدود همدان و از مسیر قدیمی به کوشک بیرونی بغداد رفت. مسیر سفرهای وی در این مناطق از جاده عبور می‌کرد: نیل، نعمانیه، سیب حله، مزار سیدی ابوالوفا، مرزبانیه، هیت، انبار، مَحُول و بغداد. وی پس از ادای نماز جمعه در جامع سوق السلطان، از مسیر میدان، کرمانشاهان، شهر آبان به تبریز باز می‌گشت.

غازان‌خان در سال ۶۹۷ ه. ق / ۱۲۹۷ م نیز بنابه نوشته‌ی خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی برای قشلاق رفتن، مسیر تبریز به بغداد را از راه اوجان، مرغزار زک همدان، (فراهان)، بروجرد، کوهستان کردان، مرغزار جوقین در اطراف واسط، بطایح سیب، بغداد، شهر نیل، نجف، به سمت شام و مرج‌الصفیر رفت. در سال ۶۹۹ ه. ق / ۱۲۹۹ م از مسیر دهخوارقان و زاب و موصل به نصیبین و شام رفت. وقایع یادشده به احیای اهمیت شهری و تجاری بغداد، تا اندازه‌ای نجف و به‌طور کلی عراق، پس از ویرانی‌های اوایل حمله‌ی مغول و هلاکو اشاره دارد. گویا غازان‌خان می‌کوشید برای خروج از بن‌بست مسیرهای تجاری شام دوباره مسیرهای آنجا را احیا کند. به همین‌منظور وی به امنیت کردستان و سرکوب قبایل و راهزنان آنجا توجه داشت.

غازان‌خان مرقد امام علی(ع) را تعمیر و برای مجاوران و سادات آنجا مستمری برقرار کرد. مقدار ۳۰۰۰ من نان از درآمد نهر غازانی را که در آنجا حفر کرده بود وقف کرد و جیره‌ی روزانه‌ی سادات نجف را معین کرد. همچنین زمین‌های اطراف مزار سیدی ابوالوفا در نزدیکی واسط را با کشیدن نهرهایی از فرات، چنان آباد کرد که آن ناحیه جمعیتی به خود جذب کرد و به شهری با عمارت‌های بسیار تبدیل شد. به فرمان وی «نهر غازانی اعلی» در مسیر شیعه‌نشین حله ه کربلا کشیده شد. بدین‌ترتیب جمعیت و رونق کربلا توسعه یافت. نهر غازانی بزرگ‌تری نیز از فرات به دجله حفر شد که مسیر رودخانه‌ای کربلا به بغداد را برقرار می‌کرد و کشتی‌ها را از بغداد و سایر شهرهای کرانه‌ی دجله به کربلا و از آنجا به نيزارهای جنوب (بطایح)، بصره و اروند به خلیج‌فارس و مسیرهای اقیانوس هند هدایت می‌کردند.

گفته‌اند که غازان‌خان برای تقویت شکارگاه‌های بیابان‌های اطراف سیدی ابوالوفا «نهر سفلی غازانی» را از فرات به میان بیابان‌های بی‌آب آن نواحی برد. تا آنجا که در اطراف مزار یادشده شهری آباد با مزارع سرسبز تکوین یافت؛ که برای حفاظت آن از دستبرد راهزنان عرب بادیه، بارویی به دور آن کشیده شد. اما به نظر می‌رسد نهر یادشده در رفت و آمد رودخانه‌ای و نیز در تأمین آب مورد نیاز کاروان‌ها در آن ناحیه بس موثر بوده است. چنان‌که عمارات، حمام‌ها و قنواتی در آنجا بنا شد و بسیاری در آنجا به کار مشغول شدند. در نتیجه قیمت خانه‌ها در آنجا مانند سایر قلمرو ایلخانان افزایش یافت. علاوه بر آن، نهر غازانی دیگری در ادامه‌ی مسیر نهر پیش‌گفته تا سرحد بیابان‌های عربستان کشیده شد، در کنار این نهر مزارع و انبهاری به مشهد سیدی ابوالوفا وقف شد که به احتمال موجب تقویت ولایات واقع در مسیر حج بوده است.

در اوایل محرم ۷۰۲ ه.ق / ۱۳۰۲ م نیز غازان‌خان بار دیگر به سمت بغداد و سپس عراق حرکت کرد. از همدان، دهکده‌ی بوزینجرد که در آنجا خانقاهی ساخته و املاکی بر آن وقف کرده بود، چغان ناوور، نهاوند، چمچال، بیستون، در منزلی نزدیک کرمانشاهان، بندنجین، جوقین، شیب (سیب)، واسط، مشهد سیدی ابوالوفا، و حله رفت و به عزم دیار شام از نجف به سمت فرات حرکت کرد. توجه غازان‌خان به مسیر تبریز به همدان و بغداد، ساخت ابواب البری در آن و سفرهای متعدد وی به آنجا پیدایش گرایش را در جهت احیای مسیرهای کهن آشکار می‌سازد. شاید دلیل این امر بن بست حاصل از مقصد غربی جاده‌ی ابریشم در سواحل شرقی مدیترانه را با تسلط بر تجارت رودخانه‌ای عراق حل کند که به مسیرهای دریایی هندوستان و چین متصل بود. علاوه بر همه‌ی این‌ها غازان‌خان با ارسال کاروان حج و پوشش نفیسی از ابریشم و طلا برای کعبه و نیز حمایت از اعراب ساکن مسیر حج می‌کوشید در قالب حج به مسیرهای حجاز دست یابد.^۱

ب) دوره‌ی بسته شدن راه شام و تقویت راه حج از طریق عراق در روزگار سلطنت اولجایتو (۷۱۶-۶۸۰ ه.ق / ۱۳۱۶-۱۲۸۱ م)

در روزگار اولجایتو، سعدالدین ساوجی وزیر ولی برای مصادره‌ی اوقاف و املاک و دورکردن یکی از رقبای خود به نام خواجه اصیل‌الدین را که به احتمال بسیار، تاجری ثروتمند بوده است، به حکومت عراق عرب گماشت؛ و چندان برواتی به وی حواله کرد که بسیاری از اموال خود را از دست داد. چنان‌که بدون شکایتی تمام اموال و املاک خود را فروخت و برای تأمین بروات وی باخت. این امر بغداد ثروتمند را که قاشانی از آن با عنوان دولتخانه یاد کرده است، دچار بحران اقتصادی کرد. وی همچنین برای ایجاد تشویش در بزرگان بغداد، تعدادی از آنان از جمله شیخ شهاب‌الدین سهروردی را به تهمت ارتباط با ممالیک، بازخواست کرد. چنین فضای امنیتی، حتی ارتباط تجاری عراقیان با مصر و شام را تضعیف می‌کرد. انتصاب جلال‌الدین پسر خواجه رشیدالدین به حکومت عراق (۷۱۳ ه.ق / ۱۳۱۳ م) نیز به سبب ثروت آنجا صورت گرفت. توجه تدریجی به امور عراق و مسیرهای حج که از خوزستان می‌گذشت، موجب انجام اصلاحاتی توسط خواجه رشیدالدین همدانی در خوزستان شد که عبارت بودند از: تعمیر پل باستانی دزفول، امنیت بخشیدن ولایت حویزه که کمین‌گاه راهزنان مسیر عراق بود، توسعه‌ی کشت نخیلات در آنجا

۱. خواجه رشیدالدین، فضل‌الله همدانی، جامع‌التواریخ، ج ۲، صص ۱۲۷۱-۲، ۱۲۷۵ و ۱۲۸۶-۱۲۸۹ و ۱۲۸۹-۹۴ و ۱۲۹۹ و ۱۳۰۶-۹؛ و صاف، پیشین، ج ۳، ص ۳۹۰.

تأثیر سیاست‌های ایلخانان بر جابه‌جایی مسیرهای زمینی و دریایی حج ... ۱۱

توسط صحرائشینان لر، کرد و عرب که به‌منظور تخت قاپو کردن آنان صورت می‌گرفت، و نیز آبادسازی ویرانی‌های چشمگیر اهواز با خرج ۷۰۰۰۰۰ دینار (۷۰ تومانی).^۱

برخی خاتون‌ها همچون بلغان خاتون خراسانی دختر امیر تسو (متوفی ۷۰۸ ه.ق / ۱۳۰۸ م) کوشکی در بغداد و نیز شهری به نام طریق خراسان در کنار بغداد ساخته بود که دارای خانقاهی برای پذیرایی مسافران بود. علت توجه بلغان خاتون ادامه دادن سیاست‌های همسرش غازان خان در زمینه‌ی احیای آبادی و رونق عراق بوده است.

الجایتو نیز علاوه بر توجه به احوال شیعیان عراق عرب، به تجارت آنجا نیز اهتمام داشت. چنان‌که در روز سه‌شنبه ۱۹ محرم ۷۱۰ ه.ق / ۱۳۱۰ م پس از وقوع آتش‌سوزی در خان الخشبییه (کاروانسرای چوبی) در بغداد، تاجران و بزازان مبلغی در حدود ۱۰۰۰۰۰۰ دینار (۱۰۰ تومانی) زیان دیدند. اولجایتو از خزانه‌ی شخصی خود این خسارت را جبران کرد. بنابراین به این نحو علاقه‌ی خود را به تداوم عبور مسیر جاده‌ی ابریشم از چین به بغداد تا مصر نشان داد.^۲

در سال ۷۰۹ ه.ق مغولان قلعه‌ی اربیل را تصرف کردند. امیر ناصر دلقندی از سوی اولجایتو آنجا را محاصره و تصرف کرد و حتی مردمی از خراسان را در آنجا سکونت داد. با توجه به این‌که اربیل از ایستگاه‌های مسیر عراق عرب به شام و آسیای صغیر به شمار می‌رفت، اهمیت فتوحات یادشده جهت برقراری امنیت و پیوستگی در جاده‌ی زمینی آسیای صغیر به حج آشکار می‌شود.^۳ در سوم ربیع‌الاول ۷۱۲ ه.ق / ۱۳۱۲ م تعدادی امرای شام و مصر به سبب رفتار تحکم‌آمیز ملک ناصر به بهانه‌ی سفر حج گریختند و از راه همین جاده به دربار الجایتو پناه آوردند.

در روزگار اولجایتو فعالیت‌ها و حتی مداخلات سیاسی دربار ایلخانان در امور داخلی حرمین آغاز گشت تا جایگاه ایشان را در ام‌القرای اسلام تقویت بخشند. در ۲۲ رجب ۷۱۶ ه.ق / ۱۳۱۶ م عیسی‌بن محمد حاکم شام از سوی ممالیک با وعده‌ی یاری اولجایتو به فتح آنجا به دربار سلطانیه پناهنده شد. در همان روزها «حمیضا» پسر رئیس مکه برادر خود را که از سوی ممالیک به ریاست مکه انتخاب شده بود، به قتل رساند و به دربار اولجایتو گریخت تا به کمک وی قدرت را در مکه بازیابد. اولجایتو تصمیم داشت که از این فرصت برای تحقق سیاست قدیمی ایلخانان درباره‌ی تسلط بر مسیر حج از طریق عراق بهره‌گیرد. بنابراین مالیات بصره را با لشکری هزار نفری با چارپایان حکومتی بسیار به وی سپرد. اما امیر هزاره‌ی همراه وی به یاری جمعی اعراب

۱. رشیدالدین، *سوانح الافکار*، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۸، صص ۴-۱۶۱.

۲. کاشانی، عبدالله بن علی، *تاریخ اولجایتو*، به اهتمام مهین همبلی، چاپ دوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴، صص ۴-۸۲ و ۱۰۹.

۳. کاشانی، پیشین، صص ۱۱۶-۱۱۰.

۱۲ مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ

بادیه بر کاروان وی زدند، و ضمن ربودن ۱۰۰ تومان از اموالش، وی را دستگیر کرده و به ملک ناصر در مصر تحویل دادند. امیر آقستقر سردار ملک ناصر نیز پس از فتوحاتی در غرب عراق از فرات گذشت. اما طغان امیر هزاره‌ی مغول در ناحیه‌ی فرات وی را شکست داد و عقب راند. بدین ترتیب مشخص شد که تسلط بر مکه، جاده‌ی حج و مسیرهای عراق به حجاز برای ایلخانان و ممالیک به‌عنوان دو دولت مسلمان به یک اندازه اهمیت داشت.^۱

ج) تلاش برای نفوذ سیاسی در امور داخلی حرمین شریفین در عهد ابوسعید ایلخان

ابوسعید ایلخان در اوایل حکومت خویش برای نشان دادن اسلامیت حکومت خود پرچمی با نام ملک نصر و نامه‌ای خطاب به امیر مکه به عراق فرستاد تا کاروان حج ایران اجازه‌ی عبور و انجام مناسک حج را بیابد. محمودبن عثمان (زنده در ۷۲۸ ه.ق / ۱۳۲۷ م) مترجم کتاب فردوس المرشدیه از صوفیان طریقت مرشدیه بود که در آن کاروان حضور داشت. و می‌نویسد:

«پرچم سلطان ابوسعید در کنار علم سلطان مصر به مدت دو سال بر بالای کوه عرفه برپا شد».

وی از نصب پرچم سومی که مربوط به شیخ ابواسحاق کازرونی (بنیانگذار طریقت مرشدیه یا کازرونیه) سخن گفته است که اگر غلو صوفیانه نباشد، وسعت و عمق نفوذ طریقت مرشدیه را در حجاز در قرن هشتم نشان می‌دهد. وی می‌افزاید که از زمان حیات شیخ مرشد نمایندگانی از سوی وی از جمله ابوبکر شکانی، برای رساندن نذورات وی به مجاورین مکه در آنجا حضور داشتند و شیخ خود ۵۰ بار به مکه مشرف شده بود.^۲

ابوسعید پس از کشتار امیرچوپان و خاندانش برای سرکوب شورش‌ها و افراد مشکوک به غصب سلطنتش، در حدود سال ۷۳۴ ه.ق صلحی با ممالیک برقرار کرد، و شاهزاده بیسور را که مشکوک به شورش بود، به حج فرستاد. درعین حال توانست با وساطت تاجری به‌نام خواجه مجدالدین سلامی یاری ملک الناصر را جلب کرده، بیسور را در محل رمی جمرات به دست سرداری مصری به نام برسغای و با هماهنگی شرفای مکه رمیته و عطیفه ترور کرد. گرچه در میان بسیاری دربارهای سلاطین مسلمان تبعید اعضای خاندان سلطنتی یا پناهندگی آنان به حرمین سنت رایجی بود، اما قتل یادشده در غربت صورت گرفت تا از شورش متعاقب طرفداران

۱. همان، صص ۱۴۳-۱۳۶، ۱۴۶، ۱۶۶ و ۱۷۱-۲.

۲. ابوبکر، محمدبن عبدالکریم، فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه (سیرت‌نامه‌ی شیخ ابواسحاق کازرونی)، ترجمه‌ی محمود بن عثمان، به کوشش ایرج افشار، تهران، کتابخانه‌ی دانش، ۱۳۳۳، صص ۴۰۷ و ۳۹۴.

شاهزاده‌ی بیسور جلوگیری شود. در هر حال قتل در حرم بدعتی بود که با افشای ناخواسته‌ی آن توسط رئیس‌الحاج عراق که آن را با مرگ مشکوک تیمورتاش پسر امیرچوپان در غربت شبیه یافته بود، اعتراض‌هایی در میان حاجیان ملل گوناگون مسلمان برانگیخت. در عوض طی مراسم تدفین وی بسیاری از حاجیان، مصر و شام و عراق بر پیکر وی نماز میت گزاردند.^۱ امری که بر حیثیت ایلخانان در مراسم حج تأثیر منفی نهاد.

نتیجه

حمله‌ی مغولان نامسلمان در آغاز مسیرهای زمینی حج را ناامن ساخت، بنابراین به دلیل عدم سلطه‌ی مستقیم مغولان بر دریاها، مسیرهای دریایی حج از خلیج فارس و دریای سرخ تقویت شد. اما با اسلام آوردن ایلخانان و فروکش کردن نبردهای مملوکی - ایلخانی، تلاش‌هایی برای تأمین امنیت و رفاه در مسیرهای زمینی حج از عراق و بیابان نفود و نجد انجام شد. خلافت عباسی پس از سقوط بغداد کوشید خود را با حمایت ممالیک مصر احیا کند. بنابراین می‌کوشید از قاهره یا از حرمین شریفین بغدادی تازه بسازد و همچون گذشته بر جهان اسلام حکمرانی کند. اما سلطه‌ی مغولان نامسلمان در سراسر خشکی‌های آسیا در نیمه‌ی نخست قرن ۷ ه.ق مانع این طرح بود.

ایلخانان نامسلمان اولیه ابتدا در صدد برانداختن جهان اسلام بودند، بنابراین در نبردهای خویش با ممالیک در شام می‌کوشیدند خود را از راه شمالی حجاز به حرمین برسانند. اما عدم توفیق ایشان در نبرد با ممالیک آنان را به گرایش به اسلام آوردن متمایل ساخت. اسلام آوردن ایلخانان این الگو را با شرایط تازه‌ای مواجه ساخت. منافع و برتری طلبی ممالیک مصر که می‌خواستند قدرت نخست در جهان اسلام و حامی خلافت معرفی شوند، موجب شد که آنان ابتدا (در عهد احمد تکودار) به بهانه‌ی قدمت سابقه‌ی خود در اسلام آوردن، خود را در زمره‌ی سابقون قرار داده، با تکبر و بی‌اعتنایی ایلخانان را از خلافت رانده و از مشروعیت در جهان اسلام محروم کنند. امری که در اسلام‌گرایی ایلخانان وقفه انداخته و سیاست‌های جنگی ارغون و غازان را در شام احیا کرد. امری که نتایج درخشانی برای ایلخانان به بار نیاورد. بنابراین اولجایتو و ابوسعید دوباره به راه‌حل‌های سیاسی و مسالمت‌آمیز دست یازیدند. اما تشیع اولجایتو دستاویز دیگری برای ممالیک شد تا ایلخانان را از حضور در مهم‌ترین مجمع جهان اسلام (حج) محروم سازند.

حتی ایلخانان به واسطه‌ی موقعیت جغرافیایی ایران در میان هند، الوس‌های نومسلمان جغتای (آسیای مرکزی)، اردوی زرین (روسیه غربی و دشت قبیچاق)، حکومت نوپای عثمانی و مصر و شام، عنوان مانع یکپارچگی جهان اسلام تلقی شده، از روزگار غازان از شرق و غرب مورد تهاجم قرار گیرند. امری که بازگشت تسنن را به دربارهای واپسین ایلخانان موجب شد.

ایلخانان در واکنش به الگوی خلافت دریایی عباسی (جهان اسلام دریایی) که قلمرو ایران را دور می‌زد، ابتدا بیهوده کوشیدند با اعمال فشار و سلطه بر آل طیبی و ملوک هرموز در دریا با ممالیک رقابت کرده، بر راه‌های دریایی حج مسلط شوند. عدم توفیق در این سیاست آنان را متوجه راه‌های زمینی جنوب غربی عراق (بغداد - واسط - حله - کربلا - نجف - کوفه) به سمت نجد و حجاز کرد. بنابراین در نهایت اولجایتو با فشارهای سیاسی و نظامی ممالیک را به قبول حضور کاروان حاجیان دربار و جامعه‌ی ایلخانان در مناسک حج و برپایی پرچم ایشان در عرفات ناچار ساخت. واپسین ایلخانان برای تثبیت این پیروزی سیاسی ضمن تأمین امنیت و رفاه مسیرهای حج با کمک قبایل بنی‌خفاجه و دیگر قبایل ساکن در طول جاده‌ی حج، مهم‌ترین سردار خویش امیر چوپان را با اموالی هنگفت برای تبلیغات سیاسی، فعالیت‌های عمرانی و بذل افراطی نفقات و صدقات و برپایی اوقاف در حرمین به‌منظور جلب توجه مسلمانان سراسر جهان اسلام اعزام کردند. چنان‌که جاده‌ی حج از سلطانیه به عراق و نجد و حجاز برای ایلخانان نوعی جاده‌ی مشروعیت و شهرت به شمار رفت.

از نتایج فرعی این سیاست، جابه‌جایی مسیر دریایی حاجیان ایران از (که از نیمه‌ی نخست قرن ۷ ه.ق تا اوایل قرن ۸ ه.ق رواج داشت) به مسیر زمینی غرب عراق و احیای شهرهای مرکزی و غربی عراق عرب، بغداد، واسط، حله، کربلا، نجف، کوفه بود و همچنین ارتقای امنیت و رفاه در مسیر زمینی حج در عراق غربی و توسعه‌ی تجارت و اشرافیت در نواحی نیز از دستاوردهای چنین سیاستی بود.

سخن آخر آن‌که مسیرهای حج در آغاز حمله‌ی مغول (۶۲۱-۶۱۷ ه.ق) به خلیج فارس و دریای سرخ منتقل شد. این امر به تداوم و رونق مسیرهای دریایی حج تا فروکش کردن نبردهای ایلخانی - مملوکی (پس از ۶۶۰ ه.ق) منجر شد. برقراری نسبی امنیت و خاصه ایجاد امکانات رفاهی در جاده‌ی متروک و منزوی بیابان‌های شرق عراق به نجد و حجاز در اواخر عهد ایلخانان دوباره مسیرهای حج را از دریا به زمین منتقل ساخت، نفوذ کاروان‌های حج و فرستادگان ابوسعید در حرمین، نشانه‌ی موفقیت سیاست‌های آنان در کنترل و سلطه بر مسیرهای حج و انتقال آن‌ها به زمین‌های تحت سلطه‌ی خویش بود.

تأثیر سیاست‌های ایلخانان بر جابه‌جایی مسیرهای زمینی و دریایی حج... ۱۵

منظره‌ای از حضور حاجیان در صحرای عرفات (سمت راست) و در خانه کعبه (سمت چپ)، از نسخه‌ی گلچین اسکندر سلطان به تاریخ ۸۱۴- ۸۱۳ ه.ق، مکتب شیراز اصل اثر در موزه‌ی بریتانیا لندن (گری، بازل، نقاشی ایرانی، ترجمه‌ی عربعلی شروه ۱۳۸۵، تهران: نشر دنیای نو، ص ۱۸۱).



۱۶ مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ

نقشه و راه‌های جهان اسلام در حدود ۷۰۰ ه.ق/۱۳۰۰ م.ر.ک:

Hugh Kennedy, An historical atlas of Islam, Leiden: Brill, 2002, P. 11



منابع

- ابن العبري، غريغوريوس ابوالفرج بن هارون، مختصر تاريخ الدول، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی ۱۳۷۷، تهران، علمی و فرهنگی.
- ابن العجمی الحلبي، سبط، كنوز الذهب فی تاريخ حلب، تحقيق شوقي شغت و فالح البكور ۱۹۹۶م، حلب، دارالقلم العربي.
- ابن الفوطي، كمال الدين عبدالرزاق بن احمد شيباني، (۱۳۸۱)، الحوادث الجامعه، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ابن بطوطه (۱۳۷۶)، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه‌ی محمدعلی موحد، چاپ ششم، تهران، آگه.
- ابن تبریدی الاتابکی، يوسف، (۱۹۹۲)، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، تحقيق محمدحسين شمس‌الدين، بيروت، دارالکتب العلميه.
- ابن كثير الدمشقي، ابی الفدا الحافظ (۲۰۰۵)، البدايه و النهايه، تحقيق يوسف الشيخ محمدالبقاعي، بيروت، دارالفکر.
- ابن ماجد، شيخ شهاب‌الدين احمد السعدی بندر کنگی (۱۳۷۲)، الفوائد فی اصول علم البحر و القواعد (أئين نام‌های دریانوردی در اقیانوس هند و خلیج فارس)، ترجمه‌ی احمد اقتداری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ابن مجاور، جمال‌الدين ابی‌الفتح يوسف بن يعقوب بن محمد الشيباني الدمشقي (المعروف بابن المجاور) (۱۹۵۱)، صفه بلاد اليمن و مکه و بعض الحجاز (تاريخ المستبصر)، تصحيح اوسکر لوفغرين، ليدن، بريل.
- ابن مغيزل، نورالدين علی بن عبدالرحيم بن احمد الكاتب الملكي المظفری (۲۰۰۴) ذیل مفرج الكرب فی اخبار بنی ایوب، تحقيق عمر عبد السلام تدمری، بيروت و صيدا، مكتبه العصريه.
- ابوالفداء، اسماعيل بن علی (۱۳۴۹)، تقويم البلدان، ترجمه‌ی عبد‌المحمد آیتی، تهران، بنياد فرهنگ ایران.
- انصاری دمشقی، شمس‌الدين محمد بن ابی طالب (۱۳۸۲)، تحبه الدهرفی عجائب التبر و البحر، ترجمه‌ی سيد حميد طبيبيان، تهران، اساطير.
- باسورث، ادموند كليفوردي (۱۳۸۱)، سلسله‌های اسلامی جديد: راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- بداونی، عبدالقادر، منتخب التواريخ، تصحيح مولوی احمد علی صاحب، مقدمه‌ی توفيق سبحانی ۱۳۸۰، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- برنی، ضياء‌الدين (۱۹۵۷)، تاريخ فيروزشاهی، ج ۱، تصحيح شيخ عبدالرشيد، عليگره، شعبه تاريخ مسلم يونيورسی عليگره.
- ابن شداد، عزالدين محمد بن علی بن ابراهيم، تاريخ الملك الظاهر، اعتنا احمد حطيط ۱۹۸۳م، المانيا (فيسبادن)، دارالنشر فرانز شتاينر.
- ابن شداد، عزالدين محمد بن علی بن ابراهيم (۱۹۸۳)، تاريخ الملك الظاهر، اعتنا احمد حطيط، المانيا (فيسبادن)، دارالنشر فرانز شتاينر.
- بن عبدالکريم، ابوبکر محمد (۱۳۳۳)، فردوس المرشديه فی اسرار الصمديه (سيرت‌نامه‌ی شيخ ابواسحاق کارزونی)، ترجمه‌ی محمود بن عثمان، به کوشش ايرج افشار، تهران، کتابخانه‌ی دانش.
- بيانی، شيرين (۱۳۸۱)، تاريخ آل جلاير، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم.

۱۸ مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ

- بیانی، شیرین (۱۳۷۹)، «فرقه‌ی قلندریه در عهد ایلخانی»، هجوم مغولان به ایران و پیامدهای آن، به کوشش وهاب ولی، ج ۱، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- حبیبی، محسن (۱۳۸۳)، از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی، آن تفکر و تأثر، تهران، چاپ ششم، دانشگاه تهران.
- الحموی، یاقوت (بی تا)، معجم البلدان، تحقیق عبدالرحمن المرعشی، بیروت، داراحیاء التراث العربی و موسسه تاریخ عربی.
- حمیدالله، محمد (۱۳۸۴)، سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، ترجمه‌ی سید مصطفی محقق داماد، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- الخزرجی، علی بن حسن (۱۹۸۳)، العقود الوُلوئیة فی تاریخ الدوله الرسولیه، تصحیح محمد بسیونی عسل، الطبعة الثانية، الجزء الاول، صنعاء، مرکز الدراسات و البحوث الیمنی.
- خیراندیش، عبدالرسول، «شکل‌گیری مرزهای دولت ایلخانان مغول ایران»، ۱۳۷۹، مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره‌ی یکم بهار.
- فضل‌الله همدانی، خواجه رشیدالدین (۱۳۵۸)، سوانح الافکار، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران.
- فضل‌الله همدانی، خواجه رشیدالدین (۱۳۷۳)، جامع‌التواریخ، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، البرز.
- السیهرندی، یحیی بن احمد بن عبدالله (۱۳۸۲)، تاریخ مبارک شاه‌ی، به تصحیح، محمد هدایت حسین، تهران، انتشارات اساطیر.
- الشیبانی الشافعی، ابن‌الدیب و بن محمد، وجیه‌الدین عبدالرحمن بن علی (۱۹۹۲)، المحاسن الیمانیة فی خصائص الیمن و نسب الفحطانیة، تحقیق، احمد راتب حموش، بیروت (دارالفکر المعاصر) و دمشق (دارالفکر).
- الظاهری، غرس‌الدین خلیل بن شاهین (۱۹۸۴)، زبده کشف الممالک و بیان الطرق و المسالک، تصحیح بولس راویس، پاریس، المطبعة الجمهوریه.
- العبدری، محمد بن محمد به علی بن احمد بن سعود (۲۰۰۵)، رحله العبدری، تحقیق علی ابراهیم کردی، الطبعة الثانية، دمشق، دارسعدین.
- العمری، ابن فضل‌الله شهاب‌الدین (۱۹۲۴)، مسالک الابصار فی ممالک الامصار، تحقیق احمد زکی پاشا، قاهره، مطبعة دارالکتب المصریه.
- فرشته، محمدقاسم هندوشاه (۱۸۸۴م)، تاریخ فرشته (گاشن ابراهیمی)، به اهتمام مولوی محمد یعقوب، کانپور، نول کشور.
- القاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد (عبدالله بن علی کاشانی)، تاریخ اولجایتو، به اهتمام مهین همبلی، ۱۳۸۴، چاپ دوم، تهران، علمی و فرهنگی.
- گری، بازل (۱۳۸۵)، نقاشی ایرانی، ترجمه عربعلی شروه، تهران، نشر دنیای نو.
- مجهول المؤلف (۱۳۵۳)، هفت کشور یا صور اقالیم، تصحیح منوچهر ستوده، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ.
- المحتسب التنیسی (۲۰۰۰)، محمد بن احمد بن بسام، انیس الجلیس فی اخبار تنیس، تحقیق جمال‌الدین الشیال، بورسعید، مکتبه الثقافة الدینیة.

تأثیر سیاست‌های ایلخانان بر جابه‌جایی مسیرهای زمینی و دریایی حج ... ۱۹

- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۲)، *نزه القلوب*، تصحیح گی لسترنج، تهران، دنیای کتاب.
- مستوفی یزدی، محمد مفید (۱۹۹۱)، *مختصر مفید*، به کوشش سیف‌الدین نجم‌آبادی، ویسپادن.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۸۱)، *نزه القلوب*، تصحیح محمد دبیر سیاقی، قزوین، حدیث امروز.
- المقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی (۱۹۹۶)، *المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار المعروف بالخطط المقریزیه*، قاهره، مکتبه الادب.
- المقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی (۲۰۰۰)، *الذهب المسبوك فی ذکر من حج من الخلفا والملوک*، تحقیق جمال‌الدین الشیال، بور سعید، مکتبه الثقافه الدینیہ.
- وصاف الحضرة شیرازی، فضل‌الله بن عبدالله (۱۳۳۸)، *تاریخ وصاف الحضرة*، بمبئی، بی‌نا.
- یاجیما، هیکویچی، «تجارت دریای هند در دوره‌ی امپراتوری مغول»، ترجمه‌ی ریوکو واتابه، منتشر شده به زبان ژاپنی در مجله‌ی *Toyo Gakuho*, vol.57, no3-4, (1975).
- البوسفی، موسی بن محمد بن یحیی (۱۹۸۶) *نزه النظار فی سیره الملک الناصر*، تحقیق احمد حطیط، بیروت، عالم‌الکتاب.

Al-Sawafi "The history of Kilwa. Edited from an Arabic MS.by S.Arthur Strong" Journal of the royal Asiatic society of Great Britain and Ireland, 1895.

Barbossa, Duarte,(1865) A description of the coasts of East Africa and Malabar, Henry E. J. Staneley (trans.), London: Hakluyt Society.

Hetum II Chronicle, Robert Bedrosian (transl. and ed.), New Jersey.2005.

Kennedy. Hugh, An historical atlas of Islam, Leiden: Brill, 2002.

Teixira. Pedro, the travels of Pedro Teixeira with his Kings of Hormuz and Extracts from His "Kings of Persia" trans. and ed. William f. Sinclair, London: Hakluyt Society, 1902.